مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ شانزدهم | چهارشنبه ۳۱ سرطان ۱۳۸۳ | ۴ جمادی الثانی ۱۴۲۵ - 21 July 2004

سرمقاله

استبداد باشعار دموکراسی
ص۲

عراق از بازی ژئوپولیتیک تا لبهٔ سقوط
ص۶

گسترش مفاسد اخلاقی را جدی بگیرید!!
ص۷

استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت در مصاحبهٔ اختصاصی با مجاهد:

یک تعداد از قضاوت مردم می هراسند و می خواهند انتخابات به تأخیر انداخته شود، چه بهتر که مجاهد وغیر مجاهد در معرض قضاوت مردم قرار گیرند

جمعیت همراه با دوستان خویش در بارهٔ حمایت از کاندیدای مشخصی موضعش را اعلام خواهد کرد



انتخابات ریاست جمهوری و به عقب انداختن انتخابات پارلمانی وحمایت جمعیت از کدام یک از کاندیداهای ریاست مسائلی است، مردم منتظرند نظرات استاد را در پیرامون آنها بدانند. مجاهد پرسش هایی را در پیرامون آنها بدانند. مجاهد پرسش هایی را در پیوند با این مسائل با جناب استاد مطرح ساخته است که اینک از نظر خوانندگان عزیز می گذرد.

□ **جناب استاد بعد از این که از یک سفر داخلی برگشتید یکی از قضایای داغ روز مسألهٔ به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی است وقراری که دانسته می شد یکی از توافقات سران مجاهدین وبحث هایی که با جناح آقای کرزی یا دولت وجود داشت این بود که انتخابات پارلمانی وریاست جمهوری همزمان برگزار شود. اکنون که انتخابات پارلمانی به تأخیر انداخته شده است، آیا بر روند مذاکرات یا تفاهمات و یا نشست هایی که وجود داشت، اثر نگذاشته است؟**

■ اساساً هدف از صحبت هایی که قبل از این صورت گرفته بود، تلاش در ایجاد یک تفاهم ملی و ایجاد فضایی بود که گروه های مختلف و اقوام مختلف در همسویی با دولت درجهت ثبات سیاسی، استحکام امنیت در کشور کار مشترک انجام دهند. زمان، زمان رقابت ها، کشمکش ها و جناح بندی ها نیست. ما در یک مرحلهٔ بسیار حساس تاریخ افغانستان قرار داریم اگر در این مرحله احساس مسؤولیت ورسالت ملی در برابر نسل های افغانستان صورت نگیرد، با بحران ها وکشمکش ها رو به رو خواهیم شد به خاطر مهار ساختن بحران ها، به خاطر جلوگیری از کشمکش ها، جلوگیری از فضای تشنج آمیز مذاکرات خود را آغاز کردیم. مسؤولان دولتی تأکید می کردند که به تأخیر انداختن انتخابات برنامهٔ دولت نیست. کمیسیونی که انتخابات را سر پرستی می کند به هر دلیلی که استدلال داشتند در تأخیر انتخابات موجه نیست.

به عقیدهٔ من این موضعگیری در شرایط فعلی یک سلسله مشکلات را ایجاد می کند. اول مسألهٔ قانون ص۳

استاد ربانی در ملاقات با مسؤول امور ملکی ناتو:

به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی بی اعتمادی وعدم ثبات را بار خواهد آورد

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت افغانستان روز دو شنبه ۲۹ سرطان حکمت چتین مسؤول امور ملکی ناتو در افغانستان در اقامتگاه شان به ملاقات پذیرفتند. در این ملاقات استاد پیرامون موضعگیری جمعیت اسلامی افغانستان درانتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری صحبت نموده و از انتخابات آزاد، سری و عادلانه برای گزینش زعیم آینده کشور حمایت خویش را ابراز نمود. استاد به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی را زمینه یی برای ایجاد فضای بی اعتمادی وعدم ثبات در کشور خواند.

استاد گفت: در مذاکراتی که با مقامات ارشد دولتی انجام دادیم هدف ما ایجاد زمینه های تفاهم و همکاری به منظور تأمین ثبات در کشور بوده است. در این ملاقات آقای حکمت چتین در مورد آمادگی ناتو در جهت تأمین امنیت در هنگام انتخابات ریاست جمهوری صحبت نموده نظریاتش را پیرامون برگزاری این انتخابات ابراز نمود.

به مناسبت سی ویکمین سالروز کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲

کودتای داوودخان

سر آغاز یک فاجعهٔ بزرگ

ص۲

لاس انجلس تایمز:

کابل دگناه په مرکزبدل شوي دی

دلاس انجلس تایمز ورخپاني، په خپله یوه تازه گڼه کي په کابل کي د اخلاقي فساد، دشتمنو بهرنیانو او خینو بدایو افغانانو او عامو خلکو د ژوند د سطحي د توپیر په باب یوه مقاله خپره کړي، چي خیني غټ ټکي ئي قدرمنو لوستونکیوته وړاندي کوو:

ورخپانه په کابل کي دبیوزلو او عامو خلکو دحالت دبیانولو په ترڅ کي لیکي:

په کابل کي بهرنیان او بډای افغانان هره ورځ په قیمتي مغازو کي د آرایش او فیشن اجناس رانیسي او دښار په معتبرو رستورانونوکي لوړبیه خوراکونه خوري خو اکثره عام وګړي دومره هم نشي کولی چي لږ تر لږه وچه ډوډي په مړه ګیډه وخوري.

ورخپانه داخلاقي فساد په باب لیکي: بهرني میرمني لیدل کیږي چي په ښکلیو حوضونو کي لامبو وهي. په داسي حال کي چي ددغه هیواد میرمني دعزت ساتلو لپاره لاوس هم څادري له سره نه شي لیري کولی. دافغانستان داساسي قانون له مخي دشرابو استعمال بند دي مګر په ښار کي دبیر او شرابو دعوتونه اوج ته رسیدلي دي.
۲مخ

بزرگ راه کابل - قندهار

بار دیگر رو به ویرانی گذاشته است

یکی از دست آوردهای پر آوازه اما کم ثمر دولت انتقالی اسلامی افغانستان، ترمیم واحیا وبالآخره گشایش بزرگ راه کابل- قندهار بود که توسط آقای کرزی در صبحدم آغاز کار لویه جرگهٔ سراسری نمایندگان مردم که به هدف تصویب قانون اساسی در کابل تدویر یافته بود، با حرکت تبلیغاتی ونمایشی خاص بر رخ ملت کشیده شد.

این سرک بزرگ که با استفاده از امداد مالی ایالات متحدهٔ امریکا، جاپان وعربستان سعودی بازسازی گردید، از همین حالا وقبل از آن که زمستان سال جاری فرابرسد، در بعضی قسمت ها شروع به ویران شدن نموده است.

به قول رمضان بشر دوست و زیرپلان این جادهٔ بزرگ مواصلاتی به وسیلهٔ شرکت ها و انجوهایی بازسازی شده است که کشورهای کمک دهنده لازم دانسته بودند. بنا بر ص۸

سه امریکایی وچهار افغانی

به اتهام جنایت های متعدد محاکمه می شوند

جاناتان آیدیمای امریکایی با تیم همکاران خود امروز چهارشنبه در محکمهٔ ولایت کابل به صورت علنی محاکمه می شوند.

بر اساس اطلاع منابع موثق خبری سه امریکایی وچهار افغانستانی به اتهام اختطاف وشکنجهٔ اتباع افغانستان وهمچنان به اتهام ورودغیرقانونی به افغانستان مورد بازپرس عدلی وقضایی قرار دارند.

این عده، متهم به ایجاد زندان شخصی هستند که در کارتهٔ پروان کابل توسط مقامات امنیتی هفتهٔ گذشته کشف گردید.

گروه جاناتان آیدیما یازده شهروند افغانستان را در یکی از خانه های مورد استفادهٔ خود زندانی نموده وبه شکنجه و آزار واذیت آنان پرداخته اند.

به قول قاضی مؤظف محاکمهٔ متهمان، در صورت اثبات جرم این عده، هرکدام، حداقل به بیست سال زندان محکوم خواهند شد.

گفته می شود که این قضیه پای عده یی دیگر را نیز به زنجیر خواهد کشید که در خفا با این گروه همکار بوده و افراد مورد نظر خود را توسط جاناتان آیدیما وگروه وی دستگیر وشکنجه می نمودند.

منابع مسؤول نگفته اند که آیا علاوه بر این زندانیان که از چنگ اختطاف کنندگان آزاد شده اند، کسانی دیگر هم به وسیلهٔ این عده دستگیر یا کشته شده اند یا خیر؟

آگاهان می گویند: در ادامهٔ تحقیق ممکن است، پرده از اسرار دیگری برداشته شود که هنوز در پردهٔ ابهام قرار دارد.

منابع خبری با اظهار تعجب اضافه می کنند: ص۳

فارنهایت-۹۱۱ در فستیوال کان

ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

استبداد باشعار دموکراسی

آوردن نظام دموکراسی واستبداد زدایی اساسی ترین راه توسعه در کشور ما تلقی می گردد. یکی از عوامل بسیار مهم در عقب ماندگی سیاسی واجتماعی وفرهنگی کشور ما حاکمیت استبدادی در طول تاریخ بر آن بوده است. اما بسیاری از کسانی که در این روزها ظاهراً شعار دموکراسی سر می دهند در حقیقت از طرفداران سرو پا قرص نظام استبدادی هستند. اینان دموکراسی را وقتی می خواهند که به وسیلهٔ طرح شعارهای آن بر منصهٔ قدرت بنشینند. اگر امروز آنان را به نمایندگی انتخاب نمی کنند مجاهدان را به عنوان جنگ سالاران عامل این کار می دانند و اگر کسی از آنان از سوی مردم به نمایندگی انتخاب شود، این مسأله را از توانایی وشایستگی خود، حاکمیت وفضای دموکراسی قلمداد می کنند. غالباً کسانی که امروز دم از دموکراسی می زنند از پروردگان همان حزب دموکراتیک خلق افغانستان یا شبیه آن هستند که بایک پهلو خوردن همه شعارهای دموکراتیک کهنه را رها کرده به شعارهای "دموکراسی" جدید پیوسته اند. اینان غالباً دموکراسی بدون انتخابات ومردم می خواهند و این موقف ایشان این توهم را بار می آورد که مراد ایشان از ارزش های دموکراسی همان"ارزش های دموکراتیک" به مفهوم افغانی آن است. مفهوم افغانی دموکراتیک همان قرائت احزاب کمونیستی از دموکراسی است؛ حفیظ الله امین دبیرکل حزب دموکراتیک خلق می گفت: پنجاه هزار عضو حزب برهمهٔ جمعیت کشور نزد من ترجیح دارند. اکنون یک مشت افراد معلوم الحال همین سخنان امین را به گونه یی دیگر تکرار می کنند وخود را مردم بر می شمارند، هرکس با آنان و اندیشه های آنان به مخالفت بر خیزد با دموکراسی و مردم به مخالفت دست زده است!

چند روز پیش سخنان یکی از خانم های این گروه را در یک میز گرد رادیویی شنیدم او می گفت: «رهبران جهادی وشماری از جنگ سالاران برای حفظ حاکمیت وتأمین منافع خویش بر اجرای همزمان انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی اصرار کردند و نه برای حاکمیت و منافع مردم!!»

یکی دیگر از این افراد در مصاحبه یی گفته است: «برای این که انتخابات پارلمانی کاملاً دموکراتیک برگزار شود باید دو، دو ونیم سال به عقب انداخته شود!»

اینان دموکراسی را برای حاکمیت و فرمانروایی خود می خواهند نه برای حاکمیت مردم. اینان به این باورند تا زمانی آنان خود با اندیشه های سکولاریستی شان اکثریت پارلمان را در اختیار نداشته باشند، آن پارلمان و انتخابات آن دموکراتیک نخواهد بود، و البته این آرمانی است هرگز تحقق نخواهد یافت.

اما ما اعتقاد داریم که دموکراسی بدون پارلمان همان نظام استبدادی است که مردم برحاکمیت مطلقهٔ فردی در آن هیچ نوع نظارت وکنترلی ندارند.

به مناسبت سی ویکمین سالروز کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲

کودتای داوود خان

سر آغاز یک فاجعهٔ بزرگ

محمدنسیم فقیری

سرزمین بلادیده و مردم عذاب کشیدهٔ ما در طی سی سال گذشته، فاجعه های خونبار و رنج ها و مصیبت هایی بی شمار را دیده، رژیم ها، گروه ها ورهبران گوناگونی را آزموده و تجربه کرده است.

با آن که فاجعه ها و مصیبت های یاد شده دارای ریشه ها وپیشینه های تاریخی بوده وحد اقل باید از دهه های سی وچهل پی گرفته شود؛ ولی کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ -که سردار محمد داوود خان به رژیم سلطنتی به ظاهر مشروطه پایان داد و رژیم خود کامه و مطلقه و به ظاهر جمهوری را اساس گذاشت - سر آغاز فاجعه ها و بدبختی های بعدی کشور ما درسی سال اخیر به شمار می رود.

کودتای ۲۶ سرطان به رهبری داوود خان وبا اشتراک صاحب منصبان کمونیست به پیروزی رسید اکثر محققان به این باورند که شوروی ها محرک اصلی آن بودند و گروه های خلق و پرچم دستور داشتند که در این کودتا فعالانه سهم بگیرند. زیرا می خواستند که از داوود خان و نظام او به حیث یک پل و مرحلهٔ گذار جهت رسیدن به اهداف اصلی استفاده نمایند. بدون شک که خود خواهی وجاه طلبی مفرط نامبرده نیز عامل مهم کودتا بوده است.

بعضی ها می گویند که کودتا قصد و ابتکار داوود خان بود و او از افسران کمونیست در پیروزی کودتا استفاده نمود ولی برخی دیگر عقیده دارند که اصلاً کمونیست ها قصد بر اندازی رژیم شاهی وکودتا را داشتند و در مرحلهٔ نخست با تحریک و وسوسه، داوود خان را آماده ساختند و از وجود ونفوذ او استفاده نمودند.

میرمحمد صدیق فرهنگ در مورد هوس پادشاهی و ائتلاف او با کمونیست ها نوشته است:

"سردار محمد داوود از اشخاصی بود که در زندگی هرگز به مقام درجه دو، راضی نمی شوند... علایمی موجود است که وی در دورهٔ صدارت و حتی پیش از آن هوای پادشاهی در سر داشت." (۱)

"دولت جدید، ائتلافی است بین شخص سردار وگروه پرچم باسهم گیری تقریباً مساوی برای هر یک." (۲)

"بیانیهٔ خطاب به مردم داوود خان از نگاه اسلوب نگارش و محتوا با برنامهٔ حزب دموکراتیک خلق شباهت بهم می رساند... این بیانیه وشباهت آن با نشریه های احزاب خلق و پرچم عدهٔ بیشتر مردم را راجع به آینده مشوش ساخت، اما همکاری پیروان شخص سردار با متعهدان پرچمی او در حکومت دوام یافت، زیرا پرچمی ها که یک تعداد از اعضای آشکار وپنهان حزب آنان اکنون جزء حکومت بودند و خلقی ها که آنان هم دولت جدید را تأیید می کردند، در صدد بودند که نخست حریفان شان- خصوصاً گروه ها و عناصر اسلامی- را توسط محمد داوود خان قلع و قمع نموده، سپس نفوذ خود شان را در اردو و اداره گسترش دهند و در فرصت مناسب شخص رئیس دولت را از بین برده قدرت سیاسی را به دست آرند. (۳)

مؤرخ مشهور کشور، میر غلام محمد غبار در جلد دوم کتاب "افغانستان در مسیر تاریخ" در مورد داوود خان و عاقبت کار کشور چنین می نگارد:

"پس از پایان "دورهٔ دموکراسی نمایشی" که منظور آن بدنامی و ناکامی دموکراسی در افغانستان بود، بازهم یک نفر از اعضای خانوادهٔ شاهی (محمد داوود خان کاکا زادهٔ ظاهر شاه) رژیم جمهوری را نیز از (بالا) اعلام کرد (۱۹۷۳) و استبداد شدید سابق را بار دیگر آشکار کرد و تا تاریخ تحریر این کتاب (۱۳۵۲) عاقبت کار کشور کمافی السابق مبهم، مظلم و مجهول است..." (۴)

صباح الدین کشککی، وزیر اطلاعات

روس ها سالیان متمادی برای جلب اعتماد محمد داوود کار می کردند و می کوشیدند برای غصب قدرت از طرف عناصر طرفدار مسکو و تأمین منافع توسعه جویانهٔ کرملین از او کار بگیرند

وفرهنگ در آخرین کابینهٔ رژیم سلطنتی، در مورد روابط داوود خان باکمونیست ها ودولت شوروی می نویسد:

"در سال ۱۹۷۳ محمد داوود خان صرف به حیث یک حایل توسط کمونیست ها به کار رفت." (۵)

"شواهدی موجود است که نشان می دهد روس ها سالیان متمادی برای جلب اعتماد محمد داوود کار می کردند و می کوشیدند برای غصب قدرت از طرف عناصر طرفدار مسکو و تأمین منافع توسعه جویانهٔ کرملین از او کار بگیرند یک تن از اقارب خاندان سلطنتی گفت (به نگارنده): مسکو می کوشید تا ازدواجی میان محمد داوود و دختر غلام نبی خان چرخی سفیر افغانستان در مسکو صورت بگیرد. این شخص را روس ها از طرف داران خود ساخته بودند. یکی از افغان ها در امریکا از قول پدرش که صاحب منصب بود گفت(به نگارنده) که ماموران سفارت شوروی در هنگامی که محمد داوود در وزارت دفاع کار می کرد، مسلسل با او ملاقات می کردند.

... شوروی ها سعی داشتند ، محمد داوود را در سیاست او در برابر پاکستان حمایت کنند و هم ترجیح بدهند تا حزب کمونیست افغانستان به رهبری کارمل خودرا با محمد داوود آمیزش دهد.

محمد داوود پرچمی ها را از همکاران خیلی نزدیک خود می دانست..." (۶)

هر دو شاخهٔ حزب دموکراتیک خلق علنا از کودتای داوود خان حمایت کردند نویسندگان، شعرا و سخنرانان خلق وپرچم در مدح وستایش کودتا ورهبر آن از سایرین پیش قدم بودند؛ کودتا را انقلاب و داوود خان را رهبر انقلاب نام دادند. با احساسات و طمطراق و طی نوشته ها ، سروده ها وسخنرانی های به ظاهر آتشین و انقلابی به پیشواز نظام نوین رفتند و با صدور اعلامیهٔ حزبی، نخستین بهار و دومین بهار جمهوریت را تبریک و شادباش گفتند هر دو جناح ، بیانیهٔ "خطاب به مردم" داوود خان را تأیید و تبلیغ نمودند و آن را مشابه به برنامهٔ عمل حزب خویش دانستند(۷) وحتی گفته می شود که این بیانیه را کارمل نوشته ویا در نوشتن آن سهم داشته است!

شور وشوق پرچمی ها بیشتر از خلقی ها بود، زیرا سهم عمده در کمیته مرکزی، کابینه، قطعات اردو ادارات دولتی به ویژه وزارت داخله و وزارت معارف داشتند. ص۵

کابل دگناه په مرکز بدل ...

تایمز زیاتوي: بناني د زرهاو بهرنیو کارکونکیو او دهغوي دامنیتي تیکه دارانو او سلاکارانو او یو څو آزاد فکره افغانانو د مزو او چرچو وخت مخ په ختمیدو وي څکه چې علماو او سیاست پوهانو په تول ښار کي داکوښښ پیل کري دي چې دشرابو داستعمال او رواج کیدو مسئله په انتخاباتو کي راپورته کري او ولسمشر کرزي له جنجال سره مخامخ کري.

ورځپانه له یوه بل حقیقت څخه پرده پورته کوي او واني چې: له چین څخه په زرهاو بدکاره ښځي کابل ته راوستل شوي دي او دښار په ځینو رستورانونو کي لیدل کیږي چې دناوړه جنسي اعمالو په تر سره کولو بوختي دي.

تایمز دیوه افغان تبعه له قوله لیکي: په اسلامي کلتور او په خانګړي توګه په داسي یوه ملک کي چې خلک ئي دغرب له آزادیو سره نابلده دي دایو ډیر پاروونکی عمل دي او خلک ددغو اعمالو پره چې له اساسي قانون سره مخالفت لري دکرزي پرغاړه اچوي.

ورځپانه په کابل کي دخپل خبریال له قوله لیکي: دخارجیانو لپاره جوړ شوي دنایټ کلپونو خاوندان هره میاشت تقریباً دشلو زرو ډالرو په شاوخوا کي پیسي پیدا کوي اوس په کابل کي دپیسو زیاتوالی او په بدایو خلکو کي دسترتیا د راپیدا کولو له امله داسي شرایط رامینځته شوي چې زیات بهرنیان او بداي افغانان دخپلو خانونو د روحي ارامي لپاره لوړ بیه دوا استعمالوي.

ورځپانه په پاي کي دیوه بهرني لیکوال دوسیک میدیل له قوله لیکي: دپیسو او ساعت تیریو د زیاتوالي له امله اوس کابل دګناهونو په یوه مرکز بدل شوي دي او خلک له ساعت تیري او موسیقي نه علاوه بل څه کار نه لري.

دیادوني وړ دي چې دهمدغو اخلاقي فسادونو او په ښارکي ځاي ځاي دهندي او غربي راډیوګانو او تلویزیونونو دمبتذلو خپرونو خپرول د بر بندو فلمونو د دکانونو پرانستل په حقیقت کي دجرمونو او جناني پېښو د زیاتوالي او تا اسي لامل ګرزي که ئي مخ نیوي و نه شي دا به په دي ملک کي له القاعده او ترهګرو څخه هم لویه بلاوي او ددي ملک هر څه به په سین لاهو کري.

به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی یک اقدام ...

اساسی زیر سؤال می رود و به جای این که ما به سوی قانون مندی گام برداریم، این آغاز یک قانون شکنی می باشد.

مطابق قانون اساسی، انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری باید دولت سعی می کرد که همزمان صورت می گرفت لذا، فیصلهٔ به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی مفید نمی باشد. با وجود این فیصله من به این عقیده هستم که باید مذاکرات، صحبت ها به خاطر رفع بی اعتمادی ها، جلوگیری از ایجاد بحران ها و

شاید در بین قوماندان ها عناصر نامطلوبی باشند که هیچ کس نباید از آنها دفاع بکند. اما بسیاری از قوماندان ها شخصیت هایی خوب هستند مردم به محور آنها جمع می شوند

جلوگیری از بد امنی در کشور وراه برگزاری همزمان هردو انتخابات صورت بگیرد. برای حل عملی همه قضایای اساسی کشور باید مذاکرات متوقف نشود، صحبت ها ادامه پیدا بکند.

■ **قسمی که گفته شد به تعویق انداختن انتخابات عوامل اقتصادی، امنیتی، خلع سلاح نشدن بعضی فرماندهان و نیروهای مجاهدین خوانده شده است آیا یک نوع تعارض وجود ندارد میان این سخنان و به راه انداختن انتخابات ریاست جمهوری؟ اگر این عوامل در انتخابات پارلمانی مؤثر باشد نمی تواند در انتخابات ریاست جمهوری اثر بگذارد؟**

● همه دلایلی را که تاهنوز شنیده ام، به عقیدهٔ من هیچ کدام نمی تواند عامل به تعویق افتیدن انتخابات باشد. مسألهٔ امنیت در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات پارلمانی یکسان مطرح است. زمینه برای هر انتخابات – چه پارلمانی چه ریاست جمهوری- مساعد است وموجه نخواهد بود که به خاطر یک علت بگوییم انتخابات به تعویق افتد.

موضوع دوم مسألهٔ اقتصادی است که غیرمنطقی هست. کشوری که همه چیزخود را از منابع خارجی دریافت بکند، مشکل اقتصادی برای کشور ما واقعاً یک مسألهٔ مهم است و وقتی چنین است دو مرحله یی ساختن انتخابات و چند برابر ساختن مصارف آن به این معنی است که در آینده مشکل بیشتر خواهد بود، به این اساس این هم منطقی شده نمی تواند. پس همین کمبود منابع پولی ومشکل اقتصادی باید باعث آن می شد که هر دو انتخابات در یک مرحله برگزار می شد و صرفه جویی صورت می گرفت.

مساله غیر مسلح شدن یک عده افراد، به عقیدهٔ من یک ذهنیت بسیار بد بینانه است. در حالی که تلاش می کنیم که بی اعتمادی ها از بین برود باز فضای بی اعتمادی ایجاد بکنیم، مرزی میان مجاهد وغیر مجاهد به وجود بیاوریم و تهمت ها را متوجه یک تعداد عناصری بسازیم که برای آزادی افغانستان در مقابل نیروهای تروریست رزمیدند. و از ارزش های ملی، استقلال وتمامیت ارضی ما دفاع کردند، کاری درست نخواهد بود. مصلحت نیست که این مردم آماج تهمت ها قرار گیرند، شاید در بین قوماندان ها عناصر نامطلوبی باشد که هیچ کس نباید از آنها دفاع بکند. اما بسیاری از قوماندان ها شخصیت هایی خوب هستند مردم در محور آنها جمع می شوند. اعتبار آنها بسته به سلاح نیست، آنها شخصیت های ملی در سطح محل و ولایت وکشورند، باید به احترام یاد شوند. مسألهٔ جمع آوری سلاح طی شش ماه یک خواست عملی نمی باشد. مثلی که در گذشته مردم با خود سلاح داشتند در آینده هم شاید داشته باشند. داشتن سلاح همیش گناه نیست. استعمال نادرست سلاح جرم است. انسان های بد هستند که سلاح را بد استعمال می کنند، ما کوشش بکنیم سلاح داشتن را در چارچوب قانون تنظیم کنیم. بناء باید عامل اساسی بی ثباتی سلاح مجاهد ونیروی مسلح نیست، کوشش کنیم آشتی واقعی ملی را طوری در کشور به میان آوریم که اصطلاح مسلح وغیرمسلح، تفنگدار و غیر تفنگدار از میان برود و راه برای خوشبینی واعتماد متقابل میان مردم واحساس مسؤولیت همه گانی هموار گردد.

■ **گرچه اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان در تقبیح به تعویق افتادن انتخابات پارلمانی صراحت دارد با آنهم از نظر شما به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی بر روند انتخابات ریاست جمهوری در بی علاقه شدن مردم اثر نمی گذارد؟**

● قسمی که قبلاً هم اشاره کردم، به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی اگر به صورت عمدی هم نباشد به صورت غیر عمدی یک نوع سبوتاژی است، رأی دهندگان را بی رغبت می سازد. این مسأله بر انتخابات ریاست جمهوری هم اثرات منفی خواهد گذاشت. به هر حال این تصمیم که گرفته شده خیلی عجولانه است و دلایلی که گفته شده دلایل قانع کننده نیست.

■ **بعضی از شخصیت های دولت و بعضی از اعضای کابینه از طریق مصاحبه ها و ابراز نظرها آوردن یک حکومت تکنوکرات و به اصطلاح خودشان راندن مجاهدین را مطرح می سازند ومی گویند تا مجاهدین در حکومت حضور داشته باشند، حکومت کاراً به وجود نمی آید. بناءً انتخابات پارلمانی هم از همین بیم وترس به تعویق افگنده شده. و برخی از کسانی که مدعی روشنفکری هستند حتی گفته اند که برای دونیم سال، سه سال انتخابات پارلمانی به تعویق افگنده شود. در حالی که بسیاری از وظایف و صلاحیت های حکومت آینده خصوصاً رئیس جمهور منتخب بستگی به پارلمان دارد، آیندهٔ دموکراسی ونظام دموکراتیک به نظر شما چگونه پیش بینی می شود در یک چنین نظریات و اندیشه ها؟**

● کسانی که در مورد کشور فعلاً صادقانه می اندیشند اصلاً مرزهایی ساختگی را نمی خواهند ایجاد کنند. یک تعداد طرفدار این هستند که عناصر متخصص وتکنوکرات در نظام کار کنند. هیچ کس مخالف متخصص نیست، اما باید یک میکانیزمی وجود داشته باشد که از

هیچ کدام از این دلائل نمی تواند عامل به تعویق افتیدن انتخابات باشد. مسألهٔ امنیت در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات پارلمانی یکسان مطرح است

چه طریق یک متخصص را بر متخصص دیگر ترجیح می دهیم. در تمام دنیا موضوع کاملاً روشن است که حکومت ها به قضاوت مردم گذاشته می شوند، این قضاوت را بگذاریم به مردم که مردم خود تصمیم بگیرند. اما چه بهتربرای آوردن تکنوکرات میکانیزمی براساس مفاهمهٔ ملی صورت بگیرد، براساس سلیقهٔ شخصی کسی فیصله می کند که فلان تکنوکرات در نظام کار کند و تکنوکرات دیگری که روابط وارتباطی با دستگاه ندارد محروم باشد. این فیصله را به مردم بگذاریم.

کسانی که می خواهند هنگامه وتبلیغات و سرو صدا به راه اندازند که گویا مجاهدین طرفدار دموکراسی نیستند، حالاً در این مرحله یی که مجاهدین می گویند که ما از دموکراسی وانتخابات پشتیبانی می کنیم. یک تعداد دیگری که مجاهدین را متهم به مخالفت با دموکراسی می کردند، با این روند مخالفت می کنند.

یک تعداد از قضاوت مردم می هراسند ومی خواهند تحت یک بهانه وبهانهٔ دیگر از قضاوت مردم بگریزند. چه بهتر مجاهد وغیر مجاهد در برابر قضاوت مردم قرار گیرند. مردم هر فیصله یی که در برابر شان بکنند باید به آن احترام گذاشته شود.

در لویه جرگهٔ اضطراری در اولین انتخابات، در برابر یک خانم قوماندانانی با نام و نشان قرار گرفتند و آن خانم که به عنوان یک مهاجر زندگی می کرد انتخاب شد. این انتخاب برچه اساس صورت گرفت؟ اگر مسألهٔ سلاح بود قوماندان سلاح داشت اگر مسأله زور و اعمال نفوذ بود باید نفوذ می کردند. منتها آن خانم در بخش های تبلیغی، خدمات اجتماعی جبهات مجاهدان سهم داشت. مردم به همین اساس به او رأی دادند اما به قوماندان های قدرت مند رأی ندادند.

یک تعداد مردم چون نفوذ خود را در میان مردم کم می بینند، لهذا به بهانه جویی می پردازند. یک تعداد فکر می کنند که از طریق رأی مردم و انتخاب مردم نمی توانند به کرسی های قدرت برسند به این اساس آنها به هیچ شکلی آماده نیستند که انتخابات در این کشور به راه بیفتد. آنها طرفدار انتخاب خود از طریق غیر مشروع هستند. وتاریخ چنین قضاوت ها را فراموش نمی کند.

مردم و تاریخ در مورد این ها قضاوت خواهند کرد. این مرحله مرحله یی است که به سوی دموکراسی گام بر می داریم. همه باید صادقانه عمل کنیم و کوشش بکنیم که هیچ کسی، کسی دیگر را حذف نکند. هر کسی را که مردم انتخاب می کند به رأی مردم باید احترام بگذاریم وبه هیچ بهانه یی اجازه ندهیم که کسی مانع روند دموکراسی گردد.

■ **چند روز پیش برای اعلام کاندیدای ریاست جمهوری باقی نمانده با این که جمعیت اسلامی افغانستان کاندیدای مشخصی را اعلام نکرده مردم در یک فضای نا مشخص قرار دارند که جمعیت اسلامی از کدام یک از کاندیداهای ریاست جمهوری حمایت خواهد کرد؟**

یک تعداد فکر می کنند که از طریق رأی مردم و انتخاب مردم نمی توانند به کرسی های قدرت برسند به این اساس آنها به هیچ شکلی آماده نیستند که انتخابات در این کشور به راه بیفتد

● تحولات خیلی سریع به پیش می رود. ما قبلاً یک فیصله داشتیم که جمعیت تنها تصمیم نگیرد، جمعی از احزاب تصمیم بگیرند. مذاکرات ما که با دولت انتقالی اسلامی شروع شده بود روی همین احساس شروع شده بود که، ما یک تصمیم مشترک می گیریم، و به نمایندگی از یک کتلهٔ عظیم مردم کشور از جریان دموکراسی و انتخابات حمایت می کنیم تا بتوانیم امنیت را تضمین نماییم و ثبات سیاسی در کشور به میان آید، بازسازی صورت گیرد، نهاد های ارتش ملی و پلیس ملی ساخته شود. علاقه مندی دنیا را باید با خود داشته باشیم.

ما آرزومندیم که مذاکرات ما نهایی شود و ما بتوانیم به صورت فراگیر تصمیم بگیریم. جمعیت موضع جداگانه اتخاذ کند، بلکه با دیگر دوستان یکجا یک موضع مشترک را اعلام بکنند تا بتوانیم از یک قوت خوب بر خوردار باشیم.

سه امریکایی وچهار افغانی ...

از مدت ها بدین سو در شهر کابل اعمال وحرکات این گروه پنهان بوده است، در حالی که مرکز فرماندهی آیساف این ها را می شناخته و جاناتان آیدیما چندین بار از همکاری سایر نظامیان خارجی نیز استفاده کرده است.

کرس اندرس سخنگوی نیروهای بین المللی کمک به افغانستان یا آیساف می گوید: «آیدیما، فرد امریکایی که این زندان را ایجاد کرده بود با اطمینانی که از توان خنثی سازی مواد انفجاری توسط نیروهای آیساف داشت، به این نیروها مراجعه کرده وخود را از یک بخش خاص امریکایی معرفی کرده بود و نیروهای آیساف حدود ده تن از نیروهای خود را برای پاک سازی ساحهٔ مورد نظر آنها به آن جا فرستاده بود.»

مطابق گزارش رسانه های خبری، آقای اندرس در پاسخ خبرنگاری می گوید: «نیروهای بین المللی کمک به امنیت، از تاریخ بیست تا بیست وچهار جون سه بار، بنا به تقاضای ایدیما به آن ها همکاری کرده بودند.»

اما آقای اندرس نگفت که آیا در قسمت تجسس و دستگیری افراد، نیز با این گروه همکاری داشته است یا خیر؟

جریان محاکمهٔ این متهمان روز چهارشنبه سی ام سرطان بر بسیاری از مسائل پیرامون این موضوع روشنی خواهد انداخت.

قنبر علی تابش

صدای زنان وطنم

من تمام شب
گریهٔ زنی را می شنوم
که درآستانه ی بلخ
ماهتاب را
قرص نانی می بیند
آویخته
بردرگاه خداوند
وآرزو می کند
که شب دیر تر بیاید
تا سحرگاهان
گریهء کودکان گرسنه
آرامش فرشتگان به نماز برخاسته را
فرو نریزد
من تمام شب
کنار بستر دختری اشک می ریزم
که تفنگ به دستان
حتی مرگ را هم از او دریغ داشته اند
من تمام شب
بربالین زن پستان بریده یی می نشینم
که نفس هایش را می دزدد
تاکودک شیر خوارش
بیدار نشود
من تمام شب
دختر نقاشی را تماشا می کنم
که ستاره ها را کنار هم می چیند
تا برای خود وطنی بسازد
ناگهان اما
سپیده سرمی زند
وستاره ها دانه دانه
کوچ می کنند
آری
من تمام شب صدای زنان وطنم را
می شنوم .

ثلوريزي

د اروابناد استاد ګل پاچا الفت،

که رښتيا نشي ويلي او سه غلي
دروغ خو مه وايه که خان ګڼي ښاغلي
آس يي مه بوله براق ورته مه وايه
بي لکۍ خرته که خر نشي ويلي
***
داغا ګناه بي بي غوندي مستوره
دمزدور ګناه هم وي لکه مزدوره
بي بي نشي ليدي څوک مزدوره ويني
څه به وايم ددي خلکو له شعوره
***
په ورانکارو چي کارونه جوړوي
حقيقت کي جوړ کارونه ورانوي
ياتکي يا ډيره زياته سادګي ده
که بتان په بت پرستو ماندي

خنده ات...

شکریه عرفانی

خنده ات
مرواریدی که جل جل
دردامان صدف می درخشد نیست
حکایت شبی است
که
پاره پاره
روز را به زیر دندان می کشد
این که
از تو نیست خنده
وماهردو
میهمان باران بهاری نیستیم
دراشکهایت
گمان کن
که لشکر ابلیسانند اشک ها
وگلهای پیراهنت
حشرات پریده رنگ شامگاهی
که بربالهای تو
آویزانند
گمان کن
آه
خنده ات را می گویم
گمان کن ...

متلونه

ش - زيارمل

دغوتي خاوري له کتاب څخه

د ش - زيارمل راټولونه او ليکنه

متل هغه آهنګ لرونکي، لنډ او عام کلام دي چي په حکمت بناء وي او دآهنګ او ايجاز په ګانه خايسته شوي وي، که لنډۍ د پښتو ټولنيز شعور تمثيلوي نو متلونه ئي عقلاني او فلسفي اړخ بيانوي.

ښاغلي قيام الدين خادم دمتل دکليمي په باب ليکي: دمتل دکليمي اصلي مانا مانه نه دمعلومه خو دعربي دمثل، مثال او ضرب المثل مانا څرګندونه ده. زه نشم ويلاي چي متل به له مثل نه جوړ شوي وي مګر دمثل په مانا سري پوهيږي چي دا هغه بديعه حکيمانه جمله ده چي دتشبه، کنائي او مثال په ډول دکلام دتائيد له پاره راوړل کيږي لکه:

چي خي خي آبازوله به راخي

مدعاني داده چي که غرلوي دي په سرني لار لټول په کار دي او بي ګدره مه ګډيږه يعني فعل او عمل وخت او مساعد چانس غواړي، په بي فکري، بيړه او په بي لارۍ کارونه ورانيږي.

دمتل د ريښي په باب او داچي متل دي ګواکي دعربي له مثل څخه جوړوي داستاد معتمد شينواري په وينا: اصلاً مور په کلي او بانډو کي دمتل کليمه لږه استعمالوو، مور چي د وينا په ترڅ کي دخپلو خبرو د تائيد او تثبيت او يا دخينو اخلاقي توصيو او ټولنيزو لارښوونو له پاره کومه خبره کوو نو وايو چي هغه دي نه دي اوريدلي چي هوښيارانو ويلي: «پردي خواره يا دپور دي يا دپيغور» يعني متل ته دهوښيارانو خبره وايو. داچي دمتل کليمه دي دعربي له مثل څخه جوړه وي او يا دي کومه بله منبع ولري زه زيات باوري نه يم.

اوس به راشو دي ته چي متلونه په ژبه کي دپيدايښت څو لاري لري چي تر ټولو ارزښتمندي او مهمي لاري ئي دادي:

- دطبيعي او ټولنيزو پيښو له درکه هغو ته دارزښت ورکولو او په مستعمار ډول په تيپيکو پيښوکي دکاروني او تکرار له لاري.

- دتاريخي پيښو د درک او انعکاس له لاري.

- داشعارو او سندرو له لاري.

- بيخي محدوده برخه دکتابونو له لاري.

دمضمون له مخي د پښتو هر متل يوه ګټوره وجيزه ده، چي دخلکو روحيات او ټولنيز ژوند په کي په ښه توګه خليږي. او دولسي ادب هغه بډايه پانګه ده چي دټولنيز ژوند ټولي خواوي په کي څرګندي شوي دي، دميني او ښکلا وصال او بيلتون خوښي، او خپګان، اخلاق او تاريخ، جغرافيي او مذهب، اقتصاد او عدالت، هيواد پالني او نورو فکرونو مخزن دي.

دمتل بلاغت او فصاحت په دي کي دي چي دفورم له مخي لنډ او موجز دمانا په لحاظ مستعار او کنايه اميز، دافهام له مخي ساده او عام فهم او دافادي له مخي په هدف سم او رسالکي

په متلونو کي ديو ټولني پټ او دننني رازونه پراته دي او پښتو ته دير ارزښت لري. ځکه داوينا دټولني هغه ګډ او ټولنيز مضمون دي چي دټولو له خوا دعقل او پوهي له مخي سنجول شوي، دټولو له خوا منل شوي او په سيمه کي ئي دکلونو په تيريدو سره ريښي پخي شوي وي.

ددي له پاره چي يوه وينا د متل په مانا ياده شي، او بيا دټولو له خوا دمنلو وړ وګرځي بايد ساده او د اولس په ژبه وي، ښه اهنګ ولري په غوږ ښه ولګي، په مغزوکي سملاسي ځاي ونيسي او زړونه ئي ومني. دهمدي مقصد له پاره په يو متل کي دري شيان څوږوالي، لنډوالي، مقصد او مفهوم ضروري بلل شوي دي.

او داهم څو پښتو متلونه:

مه کوه په چا، وبه شي په تا
تي نه ئي وي سرې، نه دي کورت خوري نه غوړي
چي ډول دي وي ترځنګ، له وهلوني څه ننګ
نه باران وي که ږلی، ليلاغواړي ښه مرې
توره دي لالا وهي، ډوډی دي عبدالله وهي

پندار

داوود غزنوی

هنوز باورم این است:
اگر به کوه برآیم
توان به ناخن خود آسمان شکافت
ولیک
همیشه آدم خاموش
پیری ریسمان بردوش
گفته:
کوه نیز زمین است

خپل هنر

خوشحال خان خټک

په هرځاي چي طمع خپل هنر څرګند کا
ډير هوښيار ماهي، مرغونه طمع بند کا
پادشاهي دبحر وبر ده کا باور کړي
قناعت دي که په خشک وتر خرسند کا
په هغو زما سلام، خرم دي اوسي
چي له چا سره نه مهر نه پيوند کا

خلک واړه داندوه په درياب ډوب دي
کله کله له دريا به سر بلندکا
د درويش برخه خوښي، غم دهغو دي
چي په شمار د زروناست دي چون وچندکا
هوښيارانو څخه ډيري انديښني دي
چي ملنګ دمصلي هغه انندکا
ونور چاو ته به څه لره څه واني
وخپل خان وته خوشحال خټک داپندکا

زما روح

خوشحال خان خټک

ستا له دم سره همدم دي زما روح
بي له تا درهم، برهم دي زما روح
په اميد دغنچه لب په خنداشي
په ژړا لکه شبنم دي زما روح
پري مرهم دوصال کيږده طبيبه!
دهجران په تيغ قلم دي زما روح
چي بشره ئي ياره ستا ليدلي نه وي
بحر وبر پري درد وغم دي زما روح
که په سيل دګلزار زه فيض طلب خم
بي له دوسته که خي ګرم دي زما روح

نام مایکل مور برای دوستداران هنر سینما نا آشنا نیست. سال گذشته زمانی که فیلم "بولینگ برای کلمباین" او برندهٔ جایزهٔ اسکار شد، در مراسم تحویل گیری جایزه وی با سخنانی تند از جورج بوش و سیاست های او به سختی انتقاد کرد. این انتقاد در آن موقع عکس العمل های موافق و مخالف را برانگیخت. امسال فیلمی مستند از مایکل مور به نام فارنهایت ۹۱۱ در فستیوال سینمایی "کان" در فرانسه به استقبال شدید مواجه شد و

قابل قبول می سازد. سپس نوبت به ماجرای یازدهٔ سپتامبر می رسد که صحنه های هراس آور آن تا سالهای دور در خاطره ها باقی خواهد ماند. طیاره ها به برج های بلند مرکز تجارت جهانی اصابت می کند و صدای فریاد های مردم، شعله های آتش و دود...

در چنین حالتی ناگهان کمرهٔ فلمبرداری به داخل یک صنف درسی مکتب می رود که جورج بوش در آن به خواندن کتابی برای کودکان مشغول است.

به منابع انرژی آسیای میانه، از نظر او دلیل حمله به افغانستان است.

اما در بخش های پایانی فیلم صحنه هایی تکان دهنده از کشته شدن سربازان امریکایی و سخنان سربازان در حال خدمت در عراق، سربازان مجروح امریکایی و مصاحبه های والدین عراقی است که فرزندان شان در اثر حملات امریکا کشته شده اند. قساوت جنگ بسیار تکان دهنده است و صحنه هایی که اجساد سربازان امریکایی مثله و بر پایه

فارنهایت ۹۱۱- در فستیوال کان

ابوبکر سبزوار

برندهٔ جایزهٔ نخل طلایی گردید.

از سال ۱۹۵۶ که فیلم مستند "دنیای ساکت" ساختهٔ ژاک کاستو برندهٔ جایزهٔ اول این فستیوال گردید، در مدت نیم قرن گذشته هیچ فیلمی مستند برندهٔ این جایزه نشده بود. مایکل مور با فیلم فارنهایت ۹۱۱ جنجال بزرگی به پا کرد.

مور مخالف سرسخت سیاست های جورج بوش است ولی او این بار در مراسم دریافت جایزه نیازی به سخنرانی علیه بوش نداشت زیرا این فیلم خود درحقیقت تصویری از همین مخالفت است. به همین علت یک گروه از محافظه کاران از کمیسیون انتخابات تقاضا کرده اند تا در مورد این که تبلیغات این فیلم ناقض قوانین مربوط به انتخابات است یا نه، نظر بدهد.

این فیلم سوهد محکم و نظریه های سست و کم اهمیت را با هم ترکیب کرده است و به کمک صحنه های بسیار مهیج، به نتیجه گیری بسیار تکان دهنده می رسد: مردم امریکا فریب خورده اند!

آغاز فیلم مربوط به انتخابات سال ۲۰۰۰ میلادی ایالات متحدهٔ امریکاست که در آن جورج بوش فقط با۵۳۷ رأی اضافی در ایالت فلوریدا بر الگور رقیب انتخاباتی خویش پیروز شد. فیلم به بیننده، این پیغام را دارد که پیروزی جورج بوش در آن انتخابات عادلانه و آزاد نبوده است. مایکل مور با ارائهٔ دلایل به بیننده تفهیم می کند که در حالی که تمام شبکه های تلویزیونی، الگور را برندهٔ انتخابات معرفی کرده بودند، یکی از کارکنان شبکهٔ تلویزیون فاکس نیوز که به قول مور پسر کاکای بوش است او را برنده اعلام می کند.

در روز های نخست پس از یازدهم سپتامبر در حالی که فرودگاه های امریکا بسته بودند و طیارات اجازهٔ پرواز نداشتند، بوش به ۲۴ تن از افراد خانوادهٔ بن لادن که در امریکا سکونت داشتند اجازه داد تا با طیاره از امریکا خارج شوند.

در اینجا مور می خواهد بگوید که دست های دسیسه گر بسیاری در صدد بودند تا بوش را بر اریکهٔ قدرت بنشانند و او با این ادعا در حقیقت نظرات خود در صحنه های بعدی فیلم را برای بینندگان

او چنان با آرامش مشغول این کار است که گویا هیچ حادثه یی اتفاق نیفتاده است در حالی که ده دقیقه قبل او در جریان ماجرای برخورد طیاره ها قرار گرفته است.

البته هیچ کدام از این صحنه ها تا اینجا را نمی توان یک اتهام جدی علیه بوش به شمار آورد. تقریبا اکثر این صحنه ها - جز صحنهٔ حضور بوش در صنف مکتب- بارها و به مناسبت های مختلف از دید بینندگان امریکایی و اروپایی گذشته است اما مهارت مور در این است که صحنه ها را با رابطه هایی خاص کنارهم می نهد طوری که بیننده را متقاعد می سازد تا به همان نتیجه یی برسد که فیلم ساز می خواهد. اما اتهامات دیگری نیز وجود دارد که بسیار جدی تر است.

مور ادعا می کند که در روز های نخست پس از یازدهم سپتامبر در حالی که فرودگاه های امریکا بسته بودند و طیارات اجازهٔ پرواز نداشتند، بوش به ۲۴ تن از افراد خانوادهٔ بن لادن که در امریکا سکونت داشتند اجازه داد تا با طیاره از امریکا خارج شوند. او در این بخش از فیلم سندی را نیز به نمایش می گذارد و آن را به عنوان دلیلی در مورد رابطهٔ خانوادهٔ بن لادن و خانوادهٔ بوش مطرح می کند.

او می گوید که خانوادهٔ بن لادن و خانوادهٔ سلطنتی سعودی در شرکت های جورج بوش که درحال ورشکست شدن بودند سرمایه گذاری کردند تا از این طریق به بوش پدر که در آن زمان رئیس جمهور امریکا بود نزدیک شوند.

در رابطه به منافع اقتصادی یازدهم سپتامبر برای کمپنی های نفتی و اسلحه سازی، مایکل مور در این فیلم مدعی است که سعودی ها و خانوادهٔ بوش از جمله سرمایه گذارانی اند که از این جریان منافع بزرگ مادی به دست آوردند.

مور دراین فیلم نفت وگاز و فروش اسلحه را انگیزهٔ حمله به افغانستان و عراق می داند و برنامهٔ امریکا برای دست یابی

های برق آویخته شده اند، می توانند شدیدا احساسات را علیه جنگ تحریک کند.

مور در این فیلم صحنه هایی را هم به

حتی اگر همه بینندگان با مایکل مور هم عقیده هم نباشند، با توجه به استقبالی که از این فیلم در خود امریکا صورت گرفت می توان گفت مور توانسته است اکثریت بینندگان را با خود هم عقیده سازد



روی پرده می کشد که نشان می دهد فرزندان طبقات فقیر جامعهٔ امریکا از روی ناچاری برای جنگ به عراق می روند و فقط فرزند یکی از اعضای کنگرهٔ امریکا به عنوان سرباز در عراق مشغول خدمت است.

حتی اگر همه بینندگان با مایکل مور هم عقیده هم نباشند، با توجه به استقبالی که از این فیلم در خود امریکا صورت گرفت می توان گفت مور توانسته است اکثریت بینندگان را با خود هم عقیده سازد و به گفتهٔ ایان یانگز، خبرنگار بی بی سی در جشنوارهٔ کان، اگر تماشاگران، فیلم را به همان صورت که هست بپذیرند، به این نتیجه خواهند رسید که جورج بوش یک فریبکار و احتمالا رئیس جمهوری است که به انگیزه های نه چندان اساسی از جمله کینه توزی، حرص و طمع و عطش قدرت به جنگ رفته است. چنین باوری در شرایطی که انتخابات ریاست جمهوری در امریکا نزدیک است، می تواند طلیعهٔ امید روشنی برای نامزد دموکراتها جان کری باشد

سر آغاز یک فاجعهٔ ...

به سرعت پرچمی ها به حیث ولسوال، علاقه دار و مدیر لیسه تعیین شدند. نبی عظیمی تعداد این ولسوال ها را از ۴۵ تا ۵۰ نفر تخمین می کند که بنا بر پیشنهاد زیارمل مدیر قلم مخصوص وزارت امور داخله تعیین گردیدند. زیارمل در دوران تجاوز شوروی رئیس عمومی سیاسی اردو بود.

وزارت معارف در این زمینه با وزارت داخله همکاری می کرد:

"... پژواک (نعمت الله) وزیر معارف فهرست اسامی هشتاد تن از معلمان پرچمی را نزد فیض محمد وزیر داخله فرستاد. این معلمان غیر مسلکی و بی تجربه به حیث ولسوال مقرر گردیدند. به این ترتیب آخرین مناصب دولتی نیز به دست کمونیستان افتاد." (۸)

خلقی ها وپرچمی ها داوطلبانه برای دستگاه امنیتی رژیم در مرکز و ولایات مصروف جاسوسی و راپوردهی بودند و عناصر ضد انقلاب! و مخالف رژیم توسط آنان شناسایی و تشخیص می شدند والیان و ولسوال ها طبق فهرست ترتیب شدهٔ خلقی ها و پرچمی ها به دستگیری مخالفان - وعمدتاً افراد نهضت اسلامی - اقدام می نمودند. در مورد رابطهٔ داوود خان با پرچم وخلق یک تن از ماموران اطلاعاتی داوود خان از زبان او چنین حکایت می کند:

"... ببرک کارمل را من رشد دادم ، به فاکولته رسانیدم، از زندان آزادش نمودم... حسین خان - پدرش- را من به رتبهٔ جنرالی رسانیدم... نور محمد تره کی را من به حیث آتشهٔ مطبوعاتی در امریکا مقرر نمودم..."

مؤلف کتاب "مقدمه یی برکودتای ثور..." می نویسد:

"گرچه نمی توان ادعا کرد که کودتای ۱۹۷۳ (۲۶سرطان ۱۳۵۳) به هدایت و دستور شوروی به راه افتاده است، اما سلطهٔ شوروی بر حزب دموکراتیک خلق افغانستان و همچنان قوای مسلح کشور مخصوصاً بر افسران تحصیل کرده در شوروی که در عین حال اعضای حزب مذکور نیز بودند به قدری روشن و چشمگیر بود که بسیار مشکل است برای شوروی ها نقش یک ناظر خیر خواه را واگذار کنیم. البته می توان گفت که مشاوران شوروی شاهد تدارک مقدمات کودتا در افغانستان بودند، مگر عملاً نخواستند شاه را از آن آگاه سازند، بلکه گذاشتند تا داوود با همدستی عناصر پرچمی اردو، عملیاتش را به انجام برساند. (۱۰)

اکثر محققان و ناظران خارجی نیز به ائتلاف داوود و پرچمی ها در نوشته های شان اشاره کرده اند واز جمله در کتاب "پشت پردهٔ افغانستان" می خوانیم:

"پرچمی ها به دستور مسکو با داوود یک ائتلاف تشکیل دادند و آشکار تلاش کردند، نفوذ خود را در ارتش وادارات افزایش دهند."

مرحوم کشککی ، کودتای ۲۶ سرطان و استعفای ظاهر شاه و حل اختلافات بعدی و آیندهٔ کشور را چنین ارزیابی می نماید:

"یک ارزیابی همه جانبه نشان می دهد که پادشاه به گمان اغلب از مقامش به خاطر مصؤونیت اعضای خانوادهٔ خود استعفا کرد وسوال مکلفیت او در برابر منافع ملی نزدش مطرح نبود... آخر الامر ، محمد داوود و برادرش محمد نعیم از یک طرف و ظاهر شاه ، شاه ولی و عبدالولی از جانب دیگر باهم اختلافات خود را فقط سه سال بعد از آن که محمد داوود قدرت را از پادشاه در سال ۱۹۷۳ غصب کرد، رفع نمودند ولی ایشان یک افغانستان خوار وپارچه پارچه را در عقب شان گذاشتند." (۱۳)

خلاصه این که سردار داوود خان با حرص قدرت ، قصد خدمت ویا هردو در ۲۶سرطان ۱۳۵۲ بایک کودتایی که عمدتاً کمونیست ها در آن سهم داشتند و مورد حمایت شوروی بودند، به قدرت رسید کمونیست ها را در بخش های نظامی و ملکی رشد داد و با نیروهای اسلامی وضد کمونیست در گیر شد وبا تضعیف آنان، راه را برای تقویت کمونیست ها و نفوذ شوروی باز نمود. بالآخره متوجه خیانت وجفای کمونیست ها وشوروی ها شد قصد کرد تا از آن ها فاصله بگیرد ولی قبل از برداشتن گام های جدی واساسی توسط دست پروردگان خود با برادر و اکثر اعضای خانوادهٔ خویش به قتل رسید وفاجعه های ۷ ثور ۵۷ و ۶ جدی ۵۸ که نتیجه وپی آمد فاجعهٔ ۲۶ سرطان ۵۲ است، به وقوع پیوست.

پی نوشت ها

۱- افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد سوم، انتشارات وفا ۱۳۷۳ ص۲
۲- همان، ص ۱۲
۳- همان، ص ۱۵
۴- کتاب مذکور صفحهٔ اخر
۵- دههٔ قانون اساسی، چاپ سوم ، پشاور ، مرکز نشراتی میوند، ۱۳۷۱، ص۸
۶- همان، صفحات ۱۸، ۱۹، ۲۰
۷- اردو وسیاست... ص ۱۰۳
۸- انف. هارون داوود خان در چنگال ک. جی. بی ، ترجمه فارسی از حامد. پشاور ۱۳۷۶، ص ۱۰۶
۹- دکتر شاه زمان ستانکزی، سهل انگاری محمد داوود خان، ص ۶۶
۱۰- محمد اعظم سیستانی ، مقدمه یی بر کودتای ثور وپی آمد های آن درافغانستان، سویدن، ادای دار النشر افغانستان، ۱۹۹۵، ص ۵۶، و۵۷
۱۱- دیه گو کوردویز وسلیگ هرسیون، پشت پردهٔ افغانستان، ترجمه اسدالله شفایی، تهران، انتشارات بین المللی المهدی، ۱۳۷۹، ص۱۴
۱۲- دههٔ قانون اساسی، ص ۳۱

عراق از بازی ژئوپولیتیک تا لبهٔ سقوط ۲

میر آقا حقجو

عوامل بحران در عراق

باسقوط دولت صدام شگاف های سیاسی، اجتماعی و فرقه یی در این کشور بیشتر شد وبامداخلات مستقیم وغیر مستقیم خارجی بحران فزاینده یی در این کشور رونما گردید. و می توان این بحران را در دو سطح داخلی وخارجی مورد بررسی قرار داد.

الف: سطح داخلی

از لحاظ فرقه یی و قومی مهم ترین پایگاه قدرت در عراق عبارت اند از: اهل تسنن، اهل تشیع واکراد.

۱- اهل سنت: این فرقه از لحاظ جمعیت در اقلیت بوده و از لحاظ سیاسی در دوران صدام حسین پایگاه حکومت صدام ونیروهای وفادار به او محسوب می شدند و تمامی کشور عراق را کنترل می نمودند.

وپس از سرنگونی صدام منفعل گردیده و به حاشیه رانده شده اند. و از لحاظ جغرافیایی اینها بیشتر در مناطق مرکزی عراق وصحراهای نزدیک به مرز اردن زندگی می نمایند که از لحاظ ژئواکونومیک چندان دارای اهمیت نمی باشد و در رابطه با مسائل معیشتی باید یا به شمال(کردها) و یا به جنوب(شیعیان) وابسته باشند.

۲- شیعیان: از لحاظ جمعیت در اکثریت قاطع می باشند که در زمان حکومت صدام از لحاظ سیاسی سرکوب ومنزوی بودند، اما پس از سرنگونی صدام فعال گردیده وخواهان سهم بزرگ تری در قدرت، هستند، از این جهت در تشکیل حکومت و تقسیم قدرت خواستار انتخابات مستقیمند.

از لحاظ جغرافیایی شیعیان بیشتر در منطقهٔ ثروت مند جنوب عراق زندگی می نمایند که به واسطهٔ درآمد سرشار نفت وگمرکات دریایی نقش ژئواکونومیک این منطقه دارای اهمیت زیاد می باشد.

۳- اکرادها: کردهای عراقی از لحاظ ترکیب جمعیتی در اقلیتند، از لحاظ جغرافیایی در منطقهٔ ثروت مند ونفت خیز شمال عراق وهم مرزباکردستان ایران ومنطقهٔ کردنشین ترکیه زندگی می کنند که از لحاظ ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک این منطقه حایز اهمیت بوده و از این جهت کردها خواهان حکومت فدرال در عراق می باشند.

کردها از لحاظ مذهبی مربوط به اهل سنت می شوند.

ب: سطح خارجی

بعد از پیروزی انقلاب عراق در سال ۱۹۵۸این کشور یک سری معضلات سیاسی ومرزی با همسایگان پیدا نمود مانند:

۱- عراق وایران: معضل ایران وعراق از زمان عبدالکریم قاسم به بعد با ادعای مالکیت سرزمینی بر سر آب راه شط العرب وحتی ادعای حاکمان قبلی عراق نسبت به استان خوزستان ایران بود که مسألهٔ آب راه شط العرب در زمان صدام به جنگ ۹ سالهٔ عراق وایران انجامید.

امروز ایران حضور نیروهای امریکایی را در عراق مخالف امنیت ملی خود می داند.

۲- عراق و کویت: پس از استقلال کویت در سال ۱۹۶۱ عبدالکریم قاسم ادعا کرد که کویت بخشی از خاک عراق است که همین ادعا در حدود ۳۰ سال بعد مقدمهٔ تجاوز صدام برخاک کویت گردید که با سقوط صدام تا جایی این مسأله مسکوت گذاشته شده اما شیوخ کویت هنوز هم از آن ادعا هراس دارند.

۳- عراق و ترکیه: سرزمین کردها بین عراق، ایران و ترکیه تقسیم گردیده که کردهای این سه کشور همیشه در فکر تأسیس یک کردستان بزرگ بوده وهستند. واحزاب ناسیونالیست های کردی هم گاه گاهی باتهدید به خروج از جغرافیای کشورهای خود تأسیس یک کشور مستقل وتمام عیار کرد را شعار می دادند.

این مسأله بعد از جنگ ایران وعراق وتضعیف دولت عراق بالأخص بعد از تجاوز عراق برکویت، حکومت خود گردان کرد در اربیل فعال گردید وحزب کارگران کردستان(پ. ک. ک) از این موقع استفاده نموده وبرای انسجام کردهای ترکیه فعال گردیدند وترکیه نیز برای کوبیدن واضمحلال جنبش کردهای ترکیه در داخل عراق دست به کار شد. ترکیه هیچ گاهی نمی خواهد که دولت خودگردان کرد در عراق پا بگیرد تا جنبش مستقل کردی را در منطقه تحریک نماید.

۴- عراق وسوریه: این دو کشور در گذشته بر سر تحقق آرمان ورهبری حزب بعث وهم چنان در خصوص رهبری اردوگاه ناسیونالیست های عرب به مخالفت می پرداختند اما پس از انهدام حزب بعث در عراق وسقوط دولت صدام و ورود نیروهای خارجی به آن کشور هم اکنون دولت سوریه همانند جمهوری اسلامی ایران حضور نیروهای خارجی بالأخص نیروهای امریکایی را در عراق مغایر منافع ملی خود دانسته وبه صورت غیر مستقیم هماهنگ باجمهوری اسلامی ایران تحت عناوین تشکیلاتی انصار الدین، لواء المجاهدین و... به مبارزه می پردازد.

۵- القاعده: همزمان با طرح کنفرانس ژنو در سال ۱۹۸۸ در رابطه با طرح صلح، ختم جنگ و آشتی ملی در افغانستان مسألهٔ سرنوشت عرب هایی که در افغانستان علیه ارتش سرخ جهاد می نمودند. در پاکستان مطرح گردید؛ زیرا این اعراب از یک طرف مخالفت سیاسی با دولت های خود داشتند که نمی توانستند بعد از تطبیق مفاد کنفرانس ژنو و آشتی ملی در افغانستان به کشورهای خودشان برگردند و ازطرفی هم برای آیندهٔ پاکستان حضور آن ها در آن کشور یک خطر جدی محسوب می شد.

این مسأله مقارن با خاتمهٔ جنگ ایران وعراق نیز بود در این جا عده یی در پاکستان معتقد بودند تا عرب های افغان از پاکستان و افغانستان در کشور عراق سکنی گزین گردند(در ابتدا همسو با دولت عراق و در آینده جایگزین صدام)، زیرا از یک طرف عرب هستند و از طرف دیگر از لحاظ فکری مخالف سرسخت جمهوری اسلامی ایران می باشند، تا به عنوان سدی در قبال صدور انقلاب وتفکر جمهوری اسلامی ایران به کشورهای عربی به کار روند.

بنا به گفتهٔ عده یی از تحلیلگران سیاسی در پاکستان این طرح(جای گزینی برای دولت آیندهٔ عراق) با مخالفتی از جانب عربستان سعودی رو به رو گردید و عرب های افغان که غالباً در مکتب الخدمات گرد آمده بودند با تأسیس سازمان القاعده تحت زعامت اسامه بن لادن مخالف با امریکا وعربستان سعودی گردیدند.

باشروع جنگ نیروهای چند ملیتی به رهبری ایالات متحدهٔ امریکا علیه عراق در اثر اشغال کویت توسط رژیم صدام، این ها علیه عربستان سعودی وامریکا موضع مخالف گرفته وتبلیغات نمودند، از این رو با در نظر داشت مبارزهٔ جهانی امریکا علیه تروریسم نیروهای القاعده بعد از اشغال عراق توسط نیروهای ایالات متحدهٔ امریکا ومتحدین آن، با پیشآهنگی گروه انصار الإسلام از کردها وانصار السنه که گفته می شود با ابومصعب الزرقاوی اردنی الاصل فلسطینی تبار که در زمان جهاد علیه تجاوز روسها در افغانستان نقشی به سزا داشت در ارتباط اند... و برای مقابله با امریکا در عراق نقش اساسی بازی می کند.

۶- عربستان سعودی وسایر کشورهای عرب منطقه:

از این که عربستان سعودی خود را ام القرای جهان اسلام دانسته و مدعی رهبری فکری مسلمانان جهان می باشد. وایران نیز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در آن کشور همان ادعا را دارد، در حقیقت یک نوع تقابل، رقابت وتعارض فکری- سیاسی در رابطه با ادعای رهبری فکری جهان اسلام بین عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران موجود است.

از این که در عراق شیعیان از لحاظ جمعیت اکثریت قاطع اند، بعد از سقوط صدام وحزب بعث، عربستان سعودی وسایر کشورهای عرب منطقه بیم آن را دارند که در کنار آن ها یک رژیم تند رو مذهبی طرفدار ایران به وجود بیاید و از لحاظ منطقه یی هم این هراس را دارند که با پیروزی شیعیان در عراق یک خط منسجم مذهبی از کشورهای آذربایجان، ایران، عراق، بحرین، سوریه، لبنان، کویت و... که غالباً شیعه هستند علیه عربستان سعودی وکشورهای منطقه ایجاد گردد.

در نتیجه در اوضاع بحرانی عراق درحال حاضر تمامی متغیرهایی که در بالا به آن اشاره گردید تأثیر مستقیم وغیر مستقیم دارند بالأخص گروه های افراطی مذهبی اعم از تشیع و تسنن و یکی از اهداف مهم ایالات متحدهٔ امریکا و نیروهای همسوی آن در عراق در شرایط فعلی تخریب وتضعیف توان نظامی اسلامگراها در منطقه است.

گسترش مفاسد اخلاقی ...

پوچی و ابتذال وصدها صحنهٔ دیگر در فیلم های مبتذل وبازاری از این طریق روزانه به خورد خانواده ها و مخصوصاً جوانان داده می شود که عواقب آن درمیان نسل جوان مدهش وتکان دهنده خواهد بود.

کم توجهی خانواده ها نسبت به حفظ و نگهداشت سنت و رسوم پسندیده ء ملی و بومی معضله ء دیگری است که فرا راه ما در جامعه قرار گرفته است که مسؤولیت مان را بیشتر از هر وقت دیگر سنگین تر می سازد .

افزایش فحشا در کشور و مخصوصاً در پایتخت نمونه یی دیگر از بد بختی هایی است که گریبان مارا خواهد گرفت و چه ما بخواهیم و چه نخواهیم جامعهٔ فقیرمارا که قبل از هرچیز دیگری در کرداب بی سوادی و بی دانشی تقلا می کند فرو خواهد کرد و ما نتیجهٔ بد وشوم این پدیده را در گسترش بیماری خانمانسوز ایدس خواهیم دید.

شرایط دروازه های باز در کشور مان اینک ایدس را در افغانستان شایع ساخته است و با توجه به فقر اقتصادی در مملکت وبا توجه به این نکته که ایدس همین اکنون قربانیان خودرا از افغانستان انتخاب کرده است این پدیده می تواند به یک پدیدهٔ روبه رشد مبدل گردد.

افغانستان کشور ی است که مرزهای طولانی و صعب العبور دارد و نمی توان در وضعیت فعلی این مرزهای طویل و دشوار را مهار کرد از این رو است که با در نظر داشت میزان بالای بازگشت کنندگان از خارج کشور، معاینه و کنترول این برگشت کنندگان از سوی وزارت صحت تاممکن به نظر می رسد. ولی باید در نظر داشت که وزارت محترم صحت باید در این خصوص توجه کند و از کنار آن رد نگردد، در غیر آن روزی مصیبت ایدس گریبان بسیاری هارا خواهد گرفت .

تعجب خواهید کرد که در کشوری اسلامی مانند افغانستان که در آن حتی یک دستگاه کوچک شراب سازی وجود ندارد این همه انواع شراب های گوناگون از آسمان می بارد و یا از کشوری خارجی وارد می گردد؟

پاسخ این سؤال معلوم و آشکار است. حلقه هایی در کارند تا این پدیده خانمان برانداز را در کشور ما ترویج کنند و مانند تریاک و هیروئین دلالان و قاچاقبران خاصی شب و روز مشغولند تا بنیاد اخلاقی خانواده هارا از بیخ برکنند و جوانان مارا به این پدیدهٔ شوم دیگر نیز معتاد سازند .

مدیران جامعه باید این نکات را جدی تلقی کنند تا به قول شاعر :

اول نبستی که سرچشمه بود
ثانی که سیلاب گرددچه سود

کابوس کودک ربایی ...

به هر حال آنچه که در این میانه پرسش بر انگیز است، این که آیا موضوع کودک ربایی و اختطاف انسان، آن گونه که مطبوعات ورادیو ها تبلیغ می کنند، صد در صد حقیقت دارد ویا یک سلسله شایعات است که آن را فربه تر و بزرگ تر از واقعیت جلوه می دهند؟ آدم زمانی پاسخ درست این گونه سوال ها را در می یابد که شخصاً در یکی از ارگان های کشف و تحقیق ویا درمربوطات سارنوالی و محاکم عملاً فعالیت وحضور داشته باشد.

امروزه از ده ها پرونده یی که به اتهام اختطاف ویا کودک ربایی غرض پیگرد عدلی به سارنوالی و از آن جا به محکمه فرستاده می شود، مطمئناً ده تا بیست در صد آن از لحاظ قانونی شامل جرم اختطاف سازمان یافته ویا غیرسازمان یافته است و قابل تعقیب پنداشته می شود، و اما متباقی آن به هیچ صورت در برگیرندهٔ این حالت نیست وحتی برخی موارد وجود دارد که شخص، به اتهام اختطاف دستگیر شده اما حادثه یی که رخ داده است نه تنها اختطاف نیست بلکه اصلاً در جامعهٔ افغانی جرم تلقی نمی شود. و در قوانین نافذهٔ کشور جزایی دربارهٔ آن شاید پیشبینی نشده است و ارگان های عدلی وقضایی هم ، برای این که تبلیغات در این زمینه به اوج خود رسیده است و به خاطری که از جانب مطبوعات و سازمانهای مبارزه با آدم ربایی متهم به رشوه ستانی و بی توجهی در برابر پدیدهٔ اختطاف نشوند، در رهایی افراد بی گناهی که به این اتهام دستگیر شده اند به صورت عاجل اقدام نمی کنند. پس در چنین اوضاع و احوالی که آشفته بازاری مهم ترین ویژگی آن است ، آیا احتمال حق تلفی ومجازات غیر مجرم نمی رود و آزادی افراد سلب نمی گردد؟!

گذشته از آن می بینیم زمانی که نیروهای پلیس به گرفتاری شخصی که هنوز مظنون است می پردازند پیش از آن که محکمه به مجرم بودن وی حکم کند، شخص دستگیر شده از طریق تلویزیون ورسانه های جمعی تشهیر می گردد و آبرویش ریختانده می شود وچه بسا که در جریان تحقیق بی گناهی وبرائت چنین افراد ثابت می گردد، در حالی که از پیش تشهیر شده است، چیزی که در قانون جزای افغانستان نوعی مجازات خوانده شده است.

بناءً برای تأمین عدالت وجلوگیری از حق تلفی وقانون شکنی، تمام ارگان های کشفی دولت بایستی دقت کنند تا هیچ بی گناهی آزادی اش سلب نشود وقبل از آن که جرم کسی از طرف محکمه ثابت شده باشد به تشهیر وی اقدام نکنند و ارگانهای سارنوالی نیز باید تلاش کنند که هیچ بی گناهی به خاطر مصلحت مورد پیگرد قرار نگیرد.

گسترش مفاسد اخلاقی را جدی بگیرید!

سهراب پرند

دوسال و نیم از سقوط طالبان در افغانستان می گذرد. انتظار می رفت دولت با برنامه های مشخص و پلان شده اش نه تنها غم مردم مصیبت زدهٔ مارا بخورد و آنهارا از تنگنای فقر نجات بدهد، بلکه در عرصه فرهنگی قدم هایی مثبت و اساسی را بردارد تا باشد این عرصهٔ بزرگ و مهم مرمت گردد و کاخ شکستهٔ آن از انهدام نجات یابد.

این انتظار دور از واقعیت بود و به یک رؤیایی می مانست که اکنون تحقق نیافته است. اگر بی تفاوتی مسؤولان امور به همین گونه ادامه یابد، مضار آن کمتر از آسیب های وارد آمده در طول سال های جنگ در افغانستان نخواهد بود.

دولت در مبارزه با هجوم فرهنگی نه تنها برنامه یی مشخص را دنبال نمی کند بلکه با اغماض و چشم پوشی ازکنار مصایب و فجایع ناشی از این موج روبه افزایش می گذرد و به قول معروف: "شتر دیدی؟ نی!" عمل می کند.

واقعیت این است که امروز بازار فیلم های هندی قبل از هر وقتی دیگرگرم تر است و چون به سر تا پای این فیلم ها به دقت نظر اندازی گردد، پوچی، ابتذال، و ده ها نوع خرافات و صحنه های گمراه کننده از مظاهر بد این هاست که با تأسف شایقان آن در میان جوانان و نو جوانان اعم از دختر و پسر روز افزون شده می روند، چون بیشترینه والدین نیزچندان تمایلی به مبارزه علیه این پوچی و ابتذال ندارند و این بیم هرروز افزایش می یابد که جلوه های بد این گونه فیلم ها سر انجام جوانان مارا چنان گمراه کند که مبارزه با آن سالهای مدیدی را در بر بگیرد و ناچار هزینهٔآن نیز سنگین و طاقت فرسا باشد.

بخش عظیم بار این مسؤولیت به دوش مقامات وزارت اطلاعات و فرهنگ است که با بهانه قرار دادن آزادی رسانه هانمی خواهند این فیلم هارا سبک و سنگین کنند.

پیشنهاد مشخص به وزارت محترم اطلاعات و فرهنگ این است که بر واردات و تولید این گونه فیلم هاشرایطی وضع کند تا وارد کننده گان نتوانند به بسیار سهولت این گونه، بازار ها را از فیلم های پوچ و بی مایهٔ خارجی لبریز کنند و اگر چنانچه عاملان آن به این کار مداومت ورزند، آنهارا به پنجهٔ قانون بسپارند.

وارد کنندگان فیلم حتی ذوق و قدرت شناخت هموطنان مارا از فیلم خوب، لطمه یی شدیدی زده اند، چندان که از نظر بسیاری اکنون فیلم خوب یعنی فیلمی که دارای آهنگ خوب، رقص خوب،جنگ، دختری زیبا و پایان شیرینی باشد.

این گونه فیلم ها در قدم اول دختران و نوجوانان را مورد حمله قرار می دهدو به دلیل مساعد بودن زمینه سیر و تکثیر این مصیبت در ذهن جوانان و نوجوانان به زودی آنها را شکار می کند.

سانسور و تشخیص فیلم خوب حق مسلم وزارت محترم اطلاعات و فرهنگ می باشد.

سال ها شد مردم افغانستان از داشتن یک رادیوی سراسری در رنج است. از نظر جلب مخاطب و سهولت در یافت، این رسانه ارزان ترین راه اطلاع رسانی است و وزارت اطلاعات و فرهنگ قبل از هر چیز دیگری باید به حمایت و تقویت این رسانه در کشور بپردازد.

وزارت اطلاعات و فرهنگ نه تنهانتوانسته است این نقیصه را برطرف کند، بلکه با اجازه دادن رادیوها ی دیگر روی موج ا ف.ام. مخاطبان رادیو افغانستان را از دست داده است.

رادیو بایدملی و آموزنده شود ولا اقل به دوزبان پشتو و دری شبانه روز برنامه پخش کند و مردم را به

دولت در مبارزه با هجوم فرهنگی نه تنها برنامه یی مشخص را دنبال نمی کند بلکه با اغماض و چشم پوشی از کنار مصایب و فجایع ناشی از این موج روبه افزایش می گذرد و به قول معروف: "شتر دیدی؟ نی!" عمل می کند.

صلح، کار و برادری فراخواند.متوجه باید بود که رادیو به بسیار خو بی می تواند مارا در این راه کمک کند.

مصیبت دیگری که امروز گریبان جوانان ونو جوانان را گرفته است کیبل، ماهواره و استفادهٔ نا سالم از اینترنت می باشد که لا اقل کیبل و ماهواره به مقیاس بالایی درمیان خانواده ها شایع شده است.

ص۶

کدام یک
پارلمان قانونی یا شورای ...

چند دقیقه را در احوال پرسی با شماری از نمایندگان لویه جرگه که اکثر ایشان را از زمان پایان یافتن لویه جرگه تا کنون ندیده بودم سپری کردم. در این حال رئیس دولت با عده یی از نمایندگان وکارمندان ریاست جمهوری و وزیران وارد محل برگزاری مجلس شد.

با آمدن رئیس دولت هوا که از پیش ابر آلود بود آهسته آهسته به باریدن آغازید. به این دلیل همگان می خواستند مجلس زود تر کارش را تمام کند. مجلس آغاز شد، گفتند دو نفر یک مرد و یک زن از پیش جهت سخنرانی برگزیده شده اند و دیگران نمی توانستند سخنی بگویند، با خود گفتم سزای میهمان ناخوانده همین است، و آن دوست تلفن زده را ملامت کردم که چرا مرا خواندی، درحالی که ما از برنامهٔ مجلس اطلاعی نداریم؟

مجلس با سخنان دوست محمد خان یکی از فرماندهان مجاهدان کابل ونمایندهٔ ولسوالی بگرامی در لویه جرگه آغاز شد. وی در مطلبی که از روی نوشته یی می خواند به چند مساله اشارت کرد:

- **اعطای مدال آزادی فلادلفیارا برای جناب رئیس دولت، هم یک موفقیت برای او و برای همه ملت افغانستان خواند.**

-وقتی انتخابات پارلمانی به تأخیر افگنده شده است، دولت یک شورای مشورتی از نمایندگان لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی بسازد و این شورای مشورتی تا انجام انتخابات پارلمانی وتشکیل پارلمان منتخب، درکنار دولت آن را یاری برساند.

-به اعمار و بازسازی جاده ها وتوزیع عادلانهٔ بورسیه ها توجه شود.

سپس این سخنان آقای دوست محمدخان توسط محترم راضیه نعیمی یکی از خانمان نماینده در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی به زبان پشتو تکرار شد وتنها چیزی را که او بر آن افزود مسألهٔ توجه و رسیدگی به حال کوچیان و برخی از تصرفات نادرست نیروهای بین المللی در افغانستان بود او گفت نیروهای بین المللی در برخی از مناطق موجب اذیت و آزار اهالی در راه ها ومحلات شده اند وتقاضا کرد که باید جلو آنان گرفته شود.

پس از این دو، رئیس دولت برخاست و از نمایندگان لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی تشکر کرد که آنان قانونی اساسی را به تصویب رسانیده اند که نه تنها در سطح منطقه بل در سطح یک قانون اساسی مترقی به شمار می رود وافزود که یکی از افتخارات من این خواهد بود که امنیت و آرامش در این کشور به حدی تأمین شود یک ریش و یا موی سفید بتواند به آزادی کامل رأیش را به کسی که دلش می خواهد بدهد.

در بارهٔ انتخابات پارلمانی گفت که ما در کابینه همراه با کمیسیون مشترک انتخابات فیصله کردیم که یکی دوماه بعداز انتخابات ریاست جمهوری انتخابات پارلمانی برگزار شود، ولی در جلسهٔ بعدی آنان آمدند وگفتند که ما پس از مشوره با بزرگان قوم و احزاب سیاسی فیصله کردیم که انتخابات ریاست جمهوری در ۱۸میزان وانتخابات پارلمانی در ماه ثور سال آینده برگزار شود، ما در این کار دخالت نداشتیم؛ چون کمیسیون انتخابات مستقل است و زیر فرمان ما نیست و در بارهٔ تشکیل شورای مشورتی پیشنهاد شده از سوی آقای دوست محمد خان گفت این مساله را با کارشناسان قانون اساسی و اعضای کابینه درمیان می گذارم، اگر قانون اساسی آن را اجازه بدهد چنین کاری را انجام خواهم داد.

سپس یکی از استادان پیداکوژی پروان ونمایندهٔ پروان در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی خانم سخنانی در باب کارها ومشکلات پیداکوژی پروان ابراز کرد. وی در این سخنان رئیس دولت را قهرمان ملی خطاب کرد. رئیس دولت گفت: قهرمان ملی نیستم، قهرمان ملی احمد شاه مسعود است. وی گفت، نه شما قهرمان ملی هستید اگر احمد شاه مسعود می بود چرا در قانون اساسی درج نشد؟

بعد از وی یکی از حاضران شعری دراز در وصف رئیس دولت وکارنامه های ایشان خواند و وی را متوجه اطرافیان شان که آنان را«کن گیان» (کسیه بران) خواند، نمود.

چون من دیدم مرز از پیش تعیین شده را این چند نفر شکستند عیبی ندارد اگر من هم چند حرفی در بارهٔ نظریاتم بازگویم. کسانی از این گرد آمدگان نمی خواستند من دیدگاهم را در بارهٔ مسائل مطرح شده بازگو کنم، ولی جناب رئیس دولت علی رغم خواست آنان زمینه را فراهم کردند که من نظراتم را بگویم. من سخنانی در خطاب به رئیس دولت در معنای آتی ایراد کردم:

این دوره یی که شما زعامت افغانستان را به عهده دارید دوره یی مهم در تاریخ افغانستان است و می تواند حدفاصل میان دوره های استبدادی در تاریخ افغانستان و دورهٔ نظامی های مردمی و دموکراتیک در آینده باشد.

و این کار وقتی میسر ومتحقق می گردد که روند دموکراسی در افغانستان نهادینه شود. انتخابات ریاست جمهوری بی تردید یکی از پایه های نهادینه کردن آن است، اما انتخابات ریاست جمهوری زمانی کارساز است که انتخابات پارلمانی را در کنار خود داشته باشد.

انتخابات ریاست جمهوری هر چند عادلانه وبی طرفانه انجام یابد، بدون انتخابات پارلمانی به پرنده یی یک بال می ماند که هر قدر نیرومند هم باشد توان به پرواز در آمدن را ندارد.

انتخابات ریاست جمهوری هر چند عادلانه وبی طرفانه انجام یابد، بدون انتخابات پارلمانی به پرنده یی یک بال می ماند که هر قدر نیرومند هم باشد توان به پرواز در آمدن را ندارد. وشوراهای مشورتی هرگز نمی توانند خلاء پارلمان را پر کنند. و بدون پارلمان منتخب حساب گیرنده ونظارتگر نمی شود به مردمی بودن دولت باور کرد، کما این که غالباً نظام های استبدادی وتوتالیتر از قدیم تا امروز در کنار خود یک سری شوراهای مشورتی داشته اند ولی این شوراهای مشورتی، آنها را از صف نظام های استبدادی بیرون نیاورده است.

با این سخنان مجلس پایان یافت. کسانی گفتند خوب گفتی، وکسانی دیگر گفتند خوب نکردی کار چهار ماههٔ ما را خراب کردی.

گفتم: من فکر نمی کنم کار شما را خراب کرده باشم!

وقتی از ریاست دولت به در می آمدیم با خود گفتم من با این سخنان چه کار اینان را وچگونه خراب کردم؟! کار شورای مشورتی را یا کار پارلمان قانونی را. من فکر می کنم با این سخنان کار هیچ کسی را خراب نکرده ام، بل به نفع به سامان رسیدن کار مردم سخن گفته ام، اگر من به سود خویش و به زیان مردم سخن بگویم در آن صورت بی تردید خراب کارم!

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ شانزدهم | چهارشنبه ۳۱ سرطان ۱۳۸۳ | ۴ جمادی الثانی ۱۴۲۵ - 21 July 2004

کدام یک پارلمان قانونی یا شورای مشورتی؟

واقف حکیمی

گزارشی از مهمانی ناخوانده در یک مهمانی بزرگ

ظهر روز پنجشنبه گذشته رئیس دولت جناب حامد کرزی شماری از نمایندگان لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی را به قصر ریاست جمهوری دعوت کرده بودند.

ساعت ۱۲:۵۰ بود که کسی از راه تلفن برایم اطلاع داد که یک چنین مجلسی آراسته شده است چرا تو نیامده ای؟ بنده از پیش در این باره هیچ اطلاعی نداشتم در پاسخ به این پرسش عرض کردم که من دعوت نشده ام چگونه بیایم؟ او گفت: دعوت عام است، حتماً مساله یی درمیان است وهمهٔ نمایندگان لویه جرگه می توانند در این نشست شرکت کنند.

من با شنیدن این پیام عزم را جزم کردم و راه ریاست دولت را در پیش گرفتم، و در خلال ده دقیقه توانستم به محل مجلس در داخل ریاست جمهوری برسم، جون وقتی در پاسگاه های مربوط به ریاست جمهوری گفتم نمایندهٔ لویه جرگه هستم بدون اندک ترین تأخیری زمینهٔ رفتنم را به داخل ریاست جمهوری آماده کردند. وقتی به محل مجلس در زیر درختان چنار در محوطهٔ ریاست جمهوری رسیدم، دیدم که بیشتر از صد نفر بر کرسی ها ومیزهای آراسته با طعام چاشت نشسته اند ومنتظر فرا رسیدن رئیس دولت هستند.

ص۷



کابوس کودک ربایی حقیقت است یا شایعه؟

فرزاد هاشمی نژاد

مردم ما در مدت تقریباً سه دهه شاهد مشکلات ونا هنجاری های گونه گون در عرصه های مختلف زندگی بوده اند، و باگذشت هر روز حجم این معضلات گسترده گردیده است!.. در پهلوی صد ها مشکلی که امروز زندگی ملت ما را به چالش گرفته، یکی هم موضوع کودک ربایی است که از نیمهٔ سال پار بدین طرف در محراق توجه رسانه ها قرار گرفته و در این روز ها به کابوسی وحشتناک تبدیل شده است.

هر چند مسألهٔ آدم ربایی به ویژه ربودن دختران جوان ، به منظور از دواج و احیاناً کام جویی ، در کشور ما باواقعات کم و زیاد سابقه یی طولانی دارد، اما کودک ربایی به پیمانه یی که در این دو سال مطرح شده در این سرزمین پیشینه ندارد، قضیهٔ اختطاف اطفال ویا کودک ربایی از ره آورد های دهه های پسین سدهٔ بیستم است که مانند تریاک ، مواد مخدر و .. ریشه در مافیای بین المللی دارد و درسال های اخیر دههٔ هشتاد هجری خورشیدی، به گونه یی سازمان یافته وارد افغاستان شده و بالآخره از چند ماه بدین سو شکل خطرناک ترین بیماری روانی در اجتماع را به خود گرفته است. و در اثر تبلیغات بیش از حد رسانه های جمعی مخصوصاً رادیو های خارجی، مردم چنان تحت تأثیر رفته اند که اکثر خانواده ها از رفتن فرزندان شان به مکتب و مراکز آموزشی و از بازی کردن آنان با سایر کودکان ممانعت می کنند و مردمان بیرون از مرز نیز گمان می کنند که فضا تا جایی نا مطمئن است که حتی اطفال به کوچه و بازار و مدرسه رفته نمی توانند و کودکان هم ، از بس که در خانواده های خود تلقین شده اند، هر حرکتی از سوی افراد غیر خانوادهٔ شان را ولو که به هدف شفقت و مهربانی هم صورت بگیرد شاید اختطاف تلقی کنند وفریاد سر دهند!

ص۶

کارمندان برخی از ادارات دولتی جهت احضار کاپی کارت های رأی دهی شان مورد تهدید قرار گرفتند

برخی از گزارش ها حاکی از آن است که شماری از مسؤولان ادارات دولتی کارمندان ادارات خویش را جهت احضار کاپی های کارت های رأی دهی شان مجبور ساخته اند.

بعضی از مسؤولان این ادارات به کارمندان خود گفته اند که اگر کاپی های کارت های شان را حاضر نکنند از وظیفه سبکدوش خواهند شد، این مطلب را چندین تن از کارمندان این ادارات که نخواستند نامهای شان افشا شود به خبرنگار مجاهد گفته اند.

گفته می شود مسؤولان یک ادارهٔ دولتی شماری زیاد از کاپی های کارت رأی دهی را به حیله ها و وعده ها، خلاف قانون از برخی محلات بدخشان نیز جمع کرده اند.

گفته می شود در بدل یک کاپی کارت در برخی از موارد دو قطی روغن پرداخته شده است و در بسیاری از موارد دیگر کارت ها به بهانهٔ این که شمارهٔ آن ها را به مؤسسات کمک دهنده می سپاریم تا به صاحبان آن ها کمک مالی نمایند، از مردم جمع شده است.

شاید بروز چنین خبرها باعث آن شده است تا رئیس دولت این گونه کارها را خلاف قانون بخواند وعاملان آن را تهدید به مجازات کند.

بزرگ راه کابل - قندهار ...

این ایجاب می کند که کیفیت بازسازی در افغانستان مورد تجدید نظر قرار گیرد و از حیف ومیل وجوه کمک شده به نام مردم افغانستان جلوگیری صورت پذیرد.

پرسیدنی است که حکومت آقای کرزی به چه طریقی در برابر این نا به سامانی ها قدعلم خواهد کرد!؟

وقتی که یکی از بزرگ ترین برنامه های بازسازی که برای آن سرمایه گذاری کلانی صورت گرفت، به چنین وضع اسفباری گرفتار گردد، در سایر زمینه ها چه انتظاری می تواند وجود داشته باشد؟

دهمکار په جامه کې ورانکار

پامیر

دکابل په پروان مینه کې د یوشخصي زندان کشف، چې د دریوتنو امریکایانو او څلورو تنو افغانانو له خوا په کې افغانان تر غیرقانوني شکنجې لاندې نیول کیدل، زموږ دخلکو دکلکې اندیښنې اسباب برابر کړیدي. او عجیبه لا داده چې د زندان مشر کس دامریکا اوسیدونکې جاناتا ایدما ادعا لري چې دایساف همکار او دسوله ساتو ځواکونو غړي دي خو پخپله ایساف او هم امریکایان د دغسې یو شخص له ملګرتوب او همکارۍ نه ډډه کوي او هغه ردوي.

داسې ویل کیږي چې له دغه شخصي زندان څخه اته تنه بندیان، چې دري تنه ئې له پښونه ځوړند شوي و او سرونو ته ئې کڅوړې وراغوستې شوې وې، ژغورل شوي او خوشې شوي دي.

همدارنګه ویل کیږي چې په دغه کورکې چې د بندیخانې کار ترې اخیستل کیده داسې نښې نښانې هم موجودې وې، چې له بندیانو سره ناوړه چلند شوی، وهل شوي او دبول شوي، جوش او یا ډیرې سړې اوبه پرې اچول شوي، بې خوبه شوي او ځوزول شوي دي.

موږ دخپل هیواد په پلازمینه کابل ښارکې، دغه راز سرغړونه او خپل سرې زندان، څه عادي پیښه نه بولو او داسې تعبیریږي چې بهرنیان هم غواړي له امکاناتو څخه په استفادې سره زموږ په هیوادوالو باندې دبشر دحقوقو پرخلاف تیرې وکړي، سوله او ثبات ته تاوان ورسوي، دمرکزي دولت په وړاندې بغاوت او تمرد وکړي او داسې وښیې چې کواکې مرکزیت کمزوری او بې قانوني حاکمه ده.

اوس چې دوي نیول شوي موږ له خپلو قضائي او عدلي مقاماتو څخه هیله من یوو چې د دوي دوسیې په غور سره وڅیړل شي او دامعلومه شي چې دوي دکوم ډول مافیائي سازمان سره اړیکې لري؟ دڅومره مودې راپدې خوا دوي دغه راز غیرقانوني فعالیت درلود؟ ددوي موخه او هدف څه دي؟ دوي تر اوسه څومره کسان په دغه زندان کې اچولي او دهغوي برخلیک څرنګه شوي او آیا په کابل ښار یا نورو ولایاتو کې دغه راز نور زندانونه هم شته دي؟ او که وي، څومره کسان په کې بندیان دي؟ آیا د دوي دغه شخصي زندان د هغو شلو بندیخانو له ډلې څخه دي چې امریکایان ئې ادعا کوي؟

دا او داسې نور په لسګونو پوښتنې دهر افغان په ذهن کې ګرځي چې باید له تحقیق وروسته ورته ځواب وویل شي.

زموږ بله هیله داده چې دپیښې له څیړنې وروسته باید متمردینو او باغیانو ته زموږ داساسي قانون د موادو له مخې لازمه سزا ورکړې شي او هم دې په افغانستان کې دامریکا دمتحده ایالاتو دپوځ قوماندانې، دنوموړي شخص دتیرو جرمي سابقو او کړو وړو په باب، افغاني قضائي مقامات خبر کړي چې دده دتیرو جرمونو او سابقې په پام کې نیولو سره نوموړي ته لازمه سزا وټاکي.

هیله من یوو چې که څوک په نوموړي زندان کې ځوزول شوي وي او کوم ډول تیري او تجاوز وربانـدې شوي وي، هغه هم دخپلو حقوقو د اعادې په خاطر سترې محکمې ته عارض شي او دعدالت غوښتنه وکړي.